

بسمه تعالی

شناخت وضعیت کتاب در کشورهای در حال رشد (با توجه خاص به مسائل ایران)

سالها دل طلب جام از ما می کرد
آنچه خود داشت زیگانه تمنا می کرد
حافظ



درآمد

سالهاست که جهان سوم را رویه قبله ای غریب و بیگانه نگاه داشته اند. سرمایه های فرهنگی اش را چون سرمایه های اقتصادی اش و همزمان با آن و بخاطر آن به تاراج برده اند. سالهاست که از هجوم هفت رنگ غرب به کشورهای به اصطلاح رو به رشد می گذرد و فرهنگ بیگانه با نفوذ موریانه وار خود ریشه های استقلال و اصالت را پوک می کند و پیکری ناهنجار، نامتجانس و بی هویت باقی می گذارد. در این میان کتاب به عنوان مهم ترین میراث و ابزار فرهنگی شرق در مسیری با فراز و نشیب بسیار قرار گرفته و آینده اش معلوم نیست. در این مقاله سعی شده است تا وضعیت کلی و جنبه های گوناگون تولید و نشر کتاب در جهان سوم بطور اجمال مورد بررسی قرار گیرد و خوانندگان از عوامل بسیاری که در ارتباط با این تولید فرهنگی می باشد شناخت تازه ای بدست آورند. لازم به تذکر است که این مقاله ابتدا در تاریخ ۱۳۶۲/۳/۲۷ در مرکز تحقیقات بیوشیمی - بیوفیزیک دانشگاه تهران بصورت

کنفرانس از سوی نگارنده ایراد شده است.

نگاهی کوتاه به تاریخچه کتاب و کتاب نویسی

کتاب مهم ترین و قدیمی ترین ابزار ثبت و انتقال اطلاعات و دانش بشری است. در طول چند هزار سال زندگی جوامع بشری و بویژه پس از آفرینش خط، کتاب در اشکال گوناگون- از تصاویر حیوانات و خطوط نامفهوم برسنگها، تا به شکل نوین و امروزی آن- همواره ابزاری بوده است برای پرورش فکر و استعداد میلیونها انسان و نیز انتقال علم و اندیشه هزاران انسان به انسانهای دیگر، و در این راه مرزهای جغرافیائی، سیاسی، فرهنگی، و زمانی مانع چندان مهمی در برابرش بحساب نیامده است. در زمانهای بسیار دور، اولین نویسندگان یا کاتبان، افراد نادری بودند که بفرمان حکومت ها و برای آنها، چه برسنگها در دل کوه ها و چه بر الواح گلی یا دیوار کاخ ها می نوشتند. در ابتدا کتاب در انحصار طبقه درباریان و وابستگان آنها بود و گردش کتاب نیز محدود به نخبگان همان طبقات می شد. اما در جریان سیر تکاملی تمدن بشری، کتاب جایگاه راستین خود را یافت و مهم ترین ابزار ثبت و گردش علم و اندیشه در دست مردم شد. نخست بعلت کم بودن تعداد افرادی که قادر به خواندن و نوشتن بودند، تعداد کتب و تنوع موضوعی آنها بسیار محدود بود، اما با پیدایش حرفه ها و تخصص های جدید در جوامع و فراهم آمدن تسهیلاتی برای تهیه کتاب (کاغذ و چاپ)، کتابهای بیشتری نگارش یافت و افراد بیشتری قادر شدند از آنها استفاده نمایند. گردش کتاب هم بالطبع سرعت گرفت و حتی به کشورهای دیگر نیز راه یافت و بدین ترتیب مساله آشنائی و برخورد اندیشه ها و فرهنگ ها با یکدیگر آغاز گرفت و جوامع بشری توانستند از تجربیات یکدیگر استفاده نموده و حرکت خود را در مسیر جاده تمدن هماهنگ نمایند.

کتاب قبل از رنسانس: همانطور که می دانیم اوضاع علمی و اجتماعی کشورهای منطقه آسیا و خاورمیانه در زمانهای دور و تا قبل از رنسانس در اروپا یعنی تا حدود قرن ۱۵ میلادی (۹ تا ۱۰ هجری) در مقایسه با وضعیت کشورهای اروپائی در همان اعصار پیشرفته تر بوده است. دانشمندان، نویسندگان، مورخان، و مشاهیر علمی بیشماری در آن زمانها در آسیا و خاورمیانه سرگرم بررسی و ثبت مسائل علمی و فرهنگی بوده اند و با وجود حوادث ناگواری که موجب از بین رفتن قسمت اعظم آثار گرانبهای آنها شده است، آثار نسبتاً کافی که نشان دهنده شکوفائی اوضاع علمی و هنری آن زمان بوده، از خود بجای گذاشته اند. در همان زمانها اروپا دوران تاریک^{*} خود را سپری می کرد و وضع علم و دانش و کتابنویسی آن به شکوفائی مشرق زمین نبود؛ این مطلب را می توان از مقایسه تعداد کتب نوشته شده، تعداد مدارس و مکاتب عالی، رصدخانه ها و محافل علمی و ادبی که در ایران و یا کشورهای خاورمیانه وجود داشته است و یا حتی از مقایسه تعداد دانشمندانی که برای خود آزمایشگاه و کتابخانه داشته اند (که حتی نتایج کار آنها امروزه نیز قابل قبول و استفاده است) تشخیص داد. کتاب بعد از رنسانس: اما با آغاز عصر رنسانس و تجدید حیات علمی و هنری جوامع اروپائی، وضع کتاب نیز دگرگونه شد. دانشمندان و ادبای اروپائی با رجعت به آثار ارزشمند گذشتگان دور خود و حتی با استفاده از آثار دانشمندان معروف شرقی، تحول بزرگی در زندگی علمی و هنری کشورهای خود ایجاد کردند. گسترش هرچه بیشتر علوم در قرون ۱۷ و ۱۸ و متعاقب آن پیشرفت صنعت در قرون ۱۸ و ۱۹ و افزایش سرعت تولید کتاب با استفاده از اختراع چاپ و ابداع روش های سریعتر و نیز گردش منابع علمی در کشورهای غربی موجب انقلاب و تحول بزرگی در جوامع اروپائی شد. این پیشرفت ها در غرب در حالی انجام می گرفت که جوامع شرقی

تحت سلطه حاکمان جاهل و مستبد و یا استیلای اقوام بیگانه به حال سکون و سقوط علمی، فرهنگی و اجتماعی افتاده بود و رفته رفته از تعداد متوسط نوایغ، دانشمندان و ادبای قرون اخیر کاسته می شد. بتدریج اعتماد بنفس دانشمند شرقی نسبت به خود و پشتوانه علمی کشورش کاسته شد و فرهنگ تخطیری جایگزین فرهنگ متعالی جامعه وی شد، این درحالی بود که در همان زمان کتب علمی اسلاف او جزء منابع مورد استفاده و تدریس در دانشگاههای اروپائی قرار می گرفت. در زمانی که مدارس عالی و مکتب خانه ها در خاورمیانه به رکود یا تعطیلی کشیده می شد، در اروپا دانشگاه های جدید تاسیس شده، نشریات علمی بیشتری انتشار می یافت و به تعداد کتب علمی و تخصصی نیز در اروپا افزوده می شد. بویژه پس از تکامل صنعت چاپ و نشر، تولید و گردش کتاب سرعت بیشتری یافت و حتی افراد معمولی قادر شدند تا اطلاعات خود را بصورت کتاب منتشر سازند و آنرا در اروپا و امریکا در دسترس دیگران قرار دهند. چونستاً فعالی در زمینه تولید و توزیع کتب بوجود آمد و از این راه سطح آموزش عمومی و رشد فکری جامعه ترقی یافت. با بررسی تاریخ تاسیس دانشگاه ها، موسسات چاپ و نشر، و نیز تاریخ افزایش و تکمیل اختراعات می توان به چگونگی رشد جوامع اروپائی و امریکائی در مقایسه با جوامع شرقی پی برد. حتی تاریخ آغاز انتشار برخی از مجلات علمی نشان دهنده میزان پیشرفت علم و دانش و نشر علمی و پژوهشی در آن کشورها می باشد.

کتاب در عصر حاضر: اهمیت کتاب در عصر حاضر باندازه ای است که دولت ها در برنامه ریزی های اجتماعی و عمرانی خود بطور جدی روی این مساله حساب می کنند. امروزه مؤسسات انتشاراتی بسیاری اعم از دولتی و خصوصی با تعداد زیادی نیروی انسانی و با استفاده از آخرین سیستم های چاپ و نشر در سراسر دنیا مشغول فعالیت در این زمینه هستند. تولید و توزیع کتاب باندازه ای گسترده است

که تقریباً از کنترل و ثبت کامل خارج شده است. سالنامه‌های آماری سازمان ملل متحد و سازمان یونسکو گرچه در برگیرنده آمار کامل نیستند، اما ارقام موجود در آنها اهمیت مسأله را نشان می‌دهد. بطور کلی در حال حاضر مسیر تولید و توزیع کتاب از کشورهای پیشرفته بسوی کشورهای در حال رشد و عقب مانده جریان دارد. گرچه کشورهای در حال رشد از کتب خارجی بعنوان وسیله‌ای برای آموزش و استفاده‌های علمی و فنی بهره می‌گیرند، اما بعلت آنکه استفاده از کتب خارجی تنها یک مسأله مجرد نیست و در ارتباط با مسائل فرهنگی - اجتماعی - سیاسی و اقتصادی می‌باشد، می‌تواند بجای ایجاد استقلال و خودکفائی، اساس وابستگی فکری و علمی (استعمار فرهنگی) باشد و فاصله بین کشورهای رشد یافته و در حال رشد را بیشتر کند. امروزه ناشران و کارگزاران خارجی با ارسال کاتالوگ‌های انتشارات خود به کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌های کشورهای جهان سوم، بازار پرسودی برای خود ایجاد کرده‌اند. حتی با وجود افزایش قیمت کتاب بعلت نیاز مبرم کشورهای در حال رشد به منابع علمی خارجی، روند واردات کتاب از کشورهای پیشرفته سرعت بیشتری یافته و سیری صعودی نشان می‌دهد. این امر در حالی است که بعلت کم‌بها دادن به مسأله نشر و کتاب‌نویسی در کشورهای در حال رشد، وضع کتب داخلی امیدوارکننده نبوده و این امر خود بر بسیاری از مسائل اجتماعی، اقتصادی، و علمی اثر نامطلوب برجای گذاشته است.

رشد فکری و نیاز به کتاب

گرچه در عصر حاضر انسان بخاطر درگیر شدن با مسائل و مشکلات بیشمار و وجود رسانه‌های گروهی مثل رادیو تلویزیون کمتر به کتاب روی می‌آورد، لکن هنوز هم کتاب بعنوان مهم‌ترین ابزار فرهنگی، علمی و آموزشی برای وی محسوب

می شود. بطور کلی نیاز انسان به خواندن کتاب شامل این موارد است نیاز به آگاهی- نیاز به شناخت- نیاز به آموزش- نیاز به لذت- و نیاز به تسکین، که در هر حال نتیجه کلی و نهائی مطالعه کتاب منجر به رشد فکری انسان می شود. مهم ترین، عمومی ترین و قابل دسترس ترین وسیله ای که انسان برای بالا بردن رشد فکری از آن استفاده می کند، کتاب است. در عین حال کتاب اساسی ترین ابزار آموزشی نیز محسوب می شود. در گذشته های دور و در زمانی که کتاب اندک و در اختیار قشر محدودی بود رشد فکری جامعه در سطح پائین قرار داشت. اما در دنیای امروز که علم و تکنولوژی (که تکامل آنها نتیجه استفاده عملی از کتاب ها می باشد) در خدمت تولید بیشتر، توزیع بهتر، و گردش سریعتر کتاب قرار گرفته اند، و این ابزار در سطح فراگیرتری به خدمت انسانها درآمده، طالبان علم و اندیشه بهتر و سریعتر قادرند از افکار دیگران استفاده نموده، بدین ترتیب رشد فکری جوامع بالا تر رفته و بطور کلی سطح متوسط بهتری را نشان می دهد.

کتاب و توسعه عمرانی

با توجه به اهمیت کتاب در بالا بردن رشد فکری و پیشرفت جامعه و نیز با آگاهی از نیاز شدید کشورهای در حال رشد به داشتن منابع علمی، می توان در مورد تأثیر کتاب در توسعه اقتصادی اجتماعی توضیحات بیشتری ارائه داد.

بطور خلاصه، زمان نسبتاً کوتاهی است که رابطه مستقیم کتاب و عقب ماندگی جوامع توجه متخصصان امور اقتصادی را به خود جلب کرده است. در کنفرانس منطقه ای کارشناسان یونسکو که در سال ۱۹۶۶ در توکیو تشکیل شد، کتاب بعنوان وسیله ای در پیشبرد عمران ملی شناخته شد^۱. در کنفرانس های

۱- هوشنگ ابرامی، کتاب و پدیده کم رشدی. تهران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷، ص ۳۱.

منطقه‌آی سال‌های بعد صریحاً تأکید گردید که توسعه کتاب ضرورت اولیه برنامه‌های درازمدت آموزشی و اساس توسعه اقتصادی است. به همین جهت است که کتاب بعنوان وسیله‌ای برای آموزش عمومی در برنامه‌های دولت مورد توجه قرار می‌گیرد و دولت‌ها بر مسأله تولید، توزیع، و استفاده از کتاب تأکید دارند و حتی خود برای تقویت و گسترش این امر دست به برنامه‌ریزی‌های ویژه می‌زنند. این مسأله در کشورهای در حال رشد، کمتر بطور جدی در نظر گرفته شده است؛ در حالیکه در کشورهای رشد یافته، علاوه بر هماهنگی‌های کاملی که دولت‌ها با موسسات چاپ و نشر کتاب دارند، بیشتر ناشران از کمک‌ها و تسهیلات دولتی استفاده می‌کنند، در کشورهای در حال رشد اشاره‌های ضعیفی در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی-اقتصادی نسبت به این مسأله مهم شده است. بیشترین تأکید و فوریت در ایندسته از کشورها بر تولید و توزیع کتب درسی (دبستانی و دبیرستانی) می‌باشد که البته با همه سعی و تلاش، باز هم در این مورد مشکلات بسیاری وجود دارد. حتی در ایندسته از کشورها چاپ و انتشار کتب دانشگاهی و علمی که وظیفه دانشگاه محسوب می‌شود به کندی صورت گرفته و در سطح نازلی است.

در مورد ایران بایستی اظهار داشت که تا برنامه سوم عمرانی سابق هیچ اشاره‌ای به مسأله کتاب نمی‌بینیم. اما بتدریج در برنامه‌های دولت و وزارت فرهنگ و هنر اشاراتی به تهیه کتب درسی و ایجاد کتابخانه‌های عمومی و شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب شده است. بعدها با فعالیتهایی که در زمینه مبارزه با بیسوادی در برنامه‌های دولتی شروع شد، بر مسأله کتاب بعنوان ابزاری برای رشد اجتماعی و پیشرفت حرفه‌ای تأکید گردیده است. در برنامه چهارم سابق توجهی نسبی به ایجاد و توسعه کتابخانه عمومی و خرید کتاب برای آنها شد و با استفاده از ۱/۵ درصد از عواید شهرداریها تعداد بیشتری کتابخانه تاسیس یافت. در برنامه پنجم

سابق بعلت افزایش سریع درآمد ملی، اعتبارات بیشتری به این امر اختصاص یافت، اما در عمل و بطور کلی این برنامه‌ها دارای آنچنان موفقیتی نشد و توجه دولت به این مورد کافی نبود؛ در حالی که در واقع زیربنای برنامه‌های عمرانی و توسعه اجتماعی-اقتصادی، میزان دانائی افراد مملکت و آگاهی آنها از طریق کتاب می‌باشد.

تولید نامتعادل کتاب

حال که اهمیت کتاب در زندگی اجتماعی ملت‌ها و در برنامه عمرانی دولت‌ها روشن شد، مروری می‌کنیم بر مساله تولید و توزیع کتاب در کشورهای در حال رشد. می‌دانیم که کشورهای در حال رشد به کتاب بویژه کتابهای علمی و فنی که از ابزارهای عمده برای پیشرفت و توسعه بشمار می‌آیند نیاز زیادی دارند. اما در اکثر این کشورها، در حال حاضر تولید و عرضه کتاب کافی نیست و آنها وسائل لازم که اجازه انتشار اینگونه کتب را بدهد در اختیار ندارند. امروزه نسبت تولید کتاب در جهت عکس و به زیان کشورهای در حال رشد به پیش می‌رود. طبق آمار سازمان ملل متحد، کشورهایی که درآمد سرانه کمتر دارند و بعبارت دیگر گرسنه‌ترند از نظر تولید کتاب نیز در سطح پائین‌تری قرار دارند و میزان تولید آنها در مقایسه با تولید زیاد کشورهای رشد یافته بتدریج و در طول سالهای اخیر فاصله بیشتری یافته است.

جدول ۱. مقایسه تولید کتاب در کشورهای رشد یافته و در حال رشد^۱

گروه کشورهای	درصد جمعیت دنیا	میزان تولید در سالهای		
		۱۹۷۰	۱۹۶۰	۱۹۵۰
۱- امریکا- شوروی- استرالیا- ژاپن- اروپا- زلاندنو	۳۰٪	۸۳/۵٪	۸۳/۳٪	۷۸٪
۲- گروه کشورهای در حال رشد	۷۰٪	۱۶/۵٪	۱۶/۷٪	۲۲٪

نتیجه آنکه تولید و توزیع کتاب در دنیای امروز به راهی نامتعادل و غیرعادلانه پیش می‌رود، بویژه آنکه درصد افزایش جمعیت در کشورهای در حال رشد در مقایسه با کشورهای پیشرفته همواره بیشتر و روبه افزایشی است و بنابراین نیاز این کشورها به کتاب نیز بیشتر خواهد شد. از طرف دیگر تیراژ کتاب در کشورهای در حال رشد به مراتب کمتر از میزان آن در کشورهای رشد یافته بوده است و این خود حاکی از تولید کم و توزیع ضعیف کتاب در جهان سوم می‌باشد. عمده ملت‌های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین دچار قحطی زدگی کتابند و کتاب و کتابخانه در اختیارشان نیست. برای جبران این کمبود ناچار به وابستگی اقتصادی و فرهنگی می‌شوند، و بی‌آنکه در فکر ایجاد پایه‌های لازم برای گسترش صنعت نشر داخلی و بالا بردن کیفیت تولید و توزیع کتاب در کشورشان باشند، بدون مطالعه دست به واردات کتب خارجی می‌زنند.

در ایران

در ایران نیز وضع به همین گونه بوده است؛ با بررسی وضع تولید و توزیع کتاب در کشورمان به این نتیجه می‌رسیم که مسأله فوق که یک امر زیربنائی است- متأسفانه هیچگاه بطور جدی و گسترده مورد توجه نبوده است. گرچه در طول سالهای اخیر وضع بطور نسبی بهبود یافته و آمارهای موجود حاکی از تولید و توزیع بیشتری می‌باشد، اما با توجه به افزایش تعداد موسسات آموزش عالی و نیز تعداد دانشجویان، استادان و پژوهشگران و متخصصین، این میزان برای ما به عنوان یک کشور در حال رشد که بسوی خودکفائی و استقلال گام برمی‌دارد کافی بنظر نمی‌رسد و در این زمینه ما هم همچون دیگر کشورهای در حال رشد با مسائل و مشکلات اساسی روبرو هستیم.

طبق آمارهای کتابشناسی ملی ایران در طی ده سال (۱۳۳۳-۴۳) تعداد ۵۶۲۰

عنوان کتاب (بطور متوسط هر سال ۵۶۰ عنوان) منتشر شده است که رقم بسیار پائینی است. در سال ۱۳۴۵ تعداد ۱۲۴۲ عنوان، در سال ۱۳۴۶ تعداد ۱۳۴۱ عنوان، و بهمین روند با استثناء سال ۱۳۴۸، افزایش مشاهده می شود. سال ۱۳۵۲ بیشترین میزان انتشارات (۳۳۱۶ عنوان) را داشته ایم و سال ۱۳۵۵ به ۲۹۲۷ عنوان کتاب رسیده ایم. ظاهراً این روند، افزایش خوشبینانه ای را نشان می دهد اما در مقایسه با افزایش جمعیت و تعداد با سوادان و نیز تاسیس دانشگاه ها و مدارس عالی و موسسات پژوهشی و همچنین با توجه به کیفیت کتابهای منتشره و توزیع آنها، امیدوار کننده نیست. البته در سالهای پس از انقلاب اسلامی تحول چشمگیری در تولید و نشر کتاب بوجود آمد که نیاز به بررسی و بحث جداگانه و مفصلی دارد، اما آمار غیر رسمی کتابهای منتشره در سال ۱۳۶۲ بقرار جدول شماره ۲ بوده است.

نا گفته نماند که طبق بررسیهای موجود تقریباً بین ۳۰ تا ۴۰ درصد عنوانهای منتشره مربوط به کتابهای تجدید چاپ شده می باشد. برای مثال بر اساس نشریه گزارش فرهنگی ایران در سال ۱۳۵۲، از کل کتب منتشره در همان سال (یعنی از ۳۳۱۶ عنوان) تعداد ۱۱۵۶ عنوان تألیف، ۷۱۰ عنوان ترجمه، و ۹۱ عنوان انتشار متون کهن و خطی، ۲۸۰ عنوان گردآوری، و ۷۹ عنوان بدون ذکر نوع انتشار بوده است. همچنین جدول فوق آمار کتب تجدید چاپی را در سال ۶۲ نشان می دهد.

در مورد تیراژ (تعداد نسخه های منتشره از هر کتاب) می توان گفت که تیراژ متوسط آنها بین دو تا پنج هزار درنوسان است. اما در این میان تیراژ ۱۰ هزار و ۲۰ هزار و حتی ۵۰ هزار هم وجود دارد. البته تیراژ کتب ادبی، اجتماعی، و مذهبی نسبت به تیراژ کتب علمی، تخصصی، فنی، و کاربردی بالاتر می باشد و این خود نشان دهنده ضعف نشر کتب علمی و پژوهشی و نیاز به واردات این گونه کتب از کشورهای پیشرفته می باشد.

جدول ۲. آمار کتابهای منتشره در سال ۱۳۶۲ در ایران^۱

موضوع	کل عنوانها	چاپ اول	چاپ دوم و سوم	چاپ چهارم و بعد
کلیات دایرةالمعارفها، گزارشها ...	۵۶	۵۰	۲	۴
فلسفه و منطق	۶۱	۳۴	۲۱	۶
دین اسلام، سایر دینها و عرفان	۱۱۴۱	۷۱۹	۳۰۸	۱۱۴
علوم اجتماعی و انسانی	۲۸۲	۱۹۷	۶۴	۲۱
زبان و واژه نامه ها	۱۳۲	۶۵	۴۱	۲۶
علوم خالص	۱۱۷	۸۴	۲۷	۶
پزشکی	۱۶۴	۱۲۴	۲۷	۱۳
کشاورزی، دامپروری و تغذیه	۵۰	۳۸	۸	۴
فن و صنعت	۱۹۶	۱۴۰	۴۳	۱۳
دانستیهای عملی	۵۲	۲۷	۱۶	۸
هنر	۸۷	۶۶	۱۸	۳
ورزش	۳۳	۲۵	۷	۱
ادبیات	۷۴۵	۴۱۲	۲۴۵	۸۸
تاریخ و جغرافیا، زندگینامه	۲۶۷	۱۳۹	۹۸	۳۰
کودکان	۶۶۲	۳۸۸	۲۱۷	۵۷
کمک درسی	۶۴	۳۳	۲۶	۵
متفرقه	۲۸	-	-	-
زبانهای اروپایی و لهجه ها	۲۰۲	-	-	-
کل عنوانها	۴۳۳۸	۲۵۴۱	۱۱۶۸	۳۹۹

از نظر جغرافیائی فعالیت انتشاراتی بیشتر در تهران انجام می شود. پس از تهران بترتیب شهرهای قم، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و کرمان قرار دارند. از تعداد کل

۱- ف. الف. فریار. «آمار کتابهای منتشر شده در سال ۱۳۶۲» نشر دانش، سال چهارم، شماره چهارم، (خرداد و تیر ۱۳۶۳) ص ۷۹.

ناشران ایران بیش از ۸۰ درصد در تهران و بقیه در شهرستانها فعالیت دارند، ضمن اینکه تعداد عناوین منتشره و همچنین تیراژ کتابها در شهرستانها بسیار اندک می باشد. علاوه بر آن، کتب منتشره در شهرستانها بیشتر در زمینه های مذهبی، ادبی، اجتماعی، تاریخی و جغرافیائی می باشند و از کتب علمی و کاربردی کمتر اثری موجود است.

از نظر عوامل تولیدی می توان از سه گروه زیر نام برد:

۱ - ناشران خصوصی: مهم ترین گروه تولید کننده کتاب هستند و در کشورهای در حال رشد معمولاً بصورت توأم (ناشر و فروشنده) عمل می کنند. این دسته از ناشران تا زمانی که نسبت به سودآور بودن اثری از نظر مالی مطمئن نباشند اقدام به چاپ و انتشار آن نمی کنند و این مساله مشکل بزرگی برای تولید کتاب بویژه کتابهای علمی و فنی در کشورهای در حال رشد می باشد.

۲ - ناشران دولتی و نیمه دولتی: این گروه از ناشران نیز در کشورهای در حال رشد دارای مشخصات مشترکی می باشند. در ایران ناشران دولتی عبارتند از: ناشران دانشگاهی، سازمانهای دولتی، وزارتخانه ها، موسسات پژوهشی، سازمان کتابهای درسی، و ناشران نیمه دولتی مثل: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی (بنگاه ترجمه و نشر کتاب سابق) مرکز نشر دانشگاهی و... که انتفاعی ترند.

در بین گروه فوق، ناشران دانشگاهی مقام مهم تری را دارا هستند و در کشورهای در حال رشد نمونه واحد ناشران علمی و پژوهشی بشمار می آیند. فعالیت ناشران دانشگاهی در سالهای گذشته در کشور ما در سطح چشمگیری نبوده و تعداد عناوین منتشره و نیز تیراژ کتابها بسیار کمتر از حد انتظار می باشد. برای مثال تعداد کتب منتشره توسط دانشگاه ها و مدارس عالی ایران در سال ۵۲ به ۷۹ عنوان ختم

می شود. دانشگاه تهران که بزرگترین و قدیمی ترین دانشگاه ایران است و بیش از ۴۵ سال سابقه فعالیت دارد، از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۴ تعداد ۱۰۳۹ عنوان کتاب منتشر نموده است. این آمار از سال ۱۳۴۶ به بعد سیر نزولی داشته و از ۱۱۷ عنوان در سال ۴۶ به ۶۰ عنوان در سال ۵۱ و ۲۰ عنوان در سال ۵۵ تنزل کرده است. در عین حال ناگفته نماند که حداقل ۱/۳ از کتابهای منتشره کتابهای ترجمه شده بوده است. بطور کلی دانشگاه تهران از ابتدای تاسیس تا به حال حدود ۱۹۰۰ عنوان کتاب منتشر نموده است که بطور متوسط در هر سال به ۴۷ عنوان می رسد، اما برای دانشگاهی با بیش از ۱۲۰۰ عضو هیئت علمی و ۴۲ دانشکده و موسسه و ۲۰ هزار دانشجو رقم بسیار ناچیزی است. وضعیت سایر سازمانهای انتشاراتی دانشگاه ها و مدارس عالی بهتر از دانشگاه تهران نبوده است و رویهمرفته در سطح بسیار پائینی قرار داشته است. خوشبختانه در سالهای اخیر بعلمت نیاز مبرم به داشتن منابع علمی دانشگاهی بزبان فارسی فعالیت های مطلوبی صورت گرفته است. از جمله مرکز نشر دانشگاهی وابسته به ستاد انقلاب فرهنگی، و نیز جهادهای دانشگاهی با انتشار تعداد قابل توجهی کتاب، گزارش، و جزوه درسی تا حدودی توانسته اند نیازهای دانشجویان را در این مورد برآورده سازند. آمار موجود در کتاب راهنمای انتشارات سازمانهای دولتی ایران (فهرست سالانه ۱۳۶۰) نشان می دهد که دانشگاه ها و مدارس عالی و نهادهای جهاد دانشگاهی و نیز مرکز نشر دانشگاهی رویهمرفته ۲۱۰ عنوان کتاب، گزارش تحقیقی و جزوه درسی در سال ۱۳۶۰ منتشر نموده اند که در مقایسه با سال ۱۳۵۵ (یعنی ۷۹ عنوان) رقم مطلوبی را نشان می دهد. البته ناگفته نماند که از این تعداد، حدود ۵۰٪ مربوط به جزوه های درسی است که در تیراژ محدود منتشر شده است. بطور کلی ناشران دولتی با مشکلات بسیار روبرو هستند و از نظر فنی و مالی در وضعیت دلخواه قرار ندارند، کتب منتشره توسط آنها در تیراژ کم منتشر شده و بطور

صحیح توزیع نمی شود. اما وضعیت ناشران نیمه دولتی چون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی (بنگاه ترجمه و نشر کتاب سابق) بنیاد فرهنگ ایران، انجمن آثار ملی، و غیره نسبتاً مطلوب بوده و کتب منتشره توسط آنها دارای کیفیت بهتری است.

موفقیت ناشران نیمه دولتی می تواند نشان دهنده این باشد که آنها می توانند الگویی باشند برای ناشران دولتی و حتی خصوصی که با در اختیار گرفتن کمک ها و تسهیلات دولتی و کنار زدن موانع اداری- مالی وضعیت نشر کتاب را بهبود اساسی بخشند.

ناشران منفرد: که با سرمایه خویش و در گذشته بطور مخفیانه و بدور از موانع و مقررات اداره کل نگارش (وابسته به وزارت فرهنگ و هنر سابق) به کار انتشار کتاب می پرداختند. البته تعداد ایندسته از ناشران زیاد نبود و آمار دقیقی هم در این مورد در دست نیست، اما ناشران کتب مذهبی که جزو این دسته محسوب می شوند فعالیت چشمگیری داشته و بیشتر در شهرهای قم، مشهد، تهران، و اصفهان پراکنده هستند.

توزیع کتاب

چگونگی توزیع کتاب در کشورهای در حال رشد نشان می دهد که کتاب چه به عنوان یک کالای تجارتي و چه بعنوان یک ابزار فرهنگی، علمی و آموزشی دچار مسائل و نارسائی های ریشه ای و پراهمیتی است. تنها، تولید زیاد کتاب در ایندسته از کشورها نمی تواند چاره ساز مساله باشد، بلکه توزیع صحیح آنست که بایستی نیازهای واقعی و روبه افزایش را برآورده سازد. عوامل دخیل در توزیع کتاب یعنی کتابفروشان و دفاتر توزیع سازمانهای دولتی از یک سو و جنبه های مختلف توزیعی

(توزیع از نظر موضوعی - جغرافیائی - گروه های خوانندگان) بصورت صحیح و متناسب با نیازها گسترش نیافته و در این زمینه خط مشی مشخصی وجود ندارد.

در ایران عمده فروشگاههای کتاب در تهران و مراکز استانها متمرکز شده اند و در عین حال پراکندگی آنها در قسمت مشخصی از شهر وجود دارد، در مقابل شهرهای کوچک و روستاها از داشتن کتاب محروم مانده اند. البته تعداد فروشگاههای کتاب و میزان توزیع آنها در چند سال اخیر افزایش یافته و علاوه بر کتابفروشی ها، تعدادی از فروشگاههای بزرگ، دراگ استورها، لوازم التحریرفروشی ها، سالنهای فرودگاه ها و ایستگاههای راه آهن، پارک ها، ادارات دولتی و غیره به فروش و توزیع کتاب پرداخته اند. همچنین استقبال قشر جوان از خرید کتاب در چند سال اخیر از جنبه های امیدوار کننده در امر توزیع می باشد، اما با وجود اینها، فراگیری توزیع و کیفیت کتابها و نحوه استفاده از آنها در سطح مطلوب قرار نگرفته است.

جنبه هایی که در امر توزیع، مهم بنظر می رسند عبارتند از: توزیع از نظر موضوع کتابها - توزیع از نظر مناطق جغرافیائی - توزیع از نظر گروه های کتابخوان.

توزیع موضوعی: آمارهای منتشره و شواهد موجود در بازار کتاب نشان می دهد که موضوعات کتب تولید و توزیع شده در ایران متنوع بوده اما نسبت آماری هر زمینه موضوعی با زمینه های دیگر متفاوت و غیر متعادل است. بطور کلی و بترتیب اهمیت تعداد عناوین منتشره در زمینه های موضوعی زیر وضعیت فراگیری موضوعی را نشان می دهد: ۱- ادبیات. ۲- علوم اجتماعی ۳- دین و مذهب. ۴- تاریخ و جغرافیا. ۵- علوم عملی. ۶- علوم محض. جدول زیر به نقل از آمارنامه سازمان یونسکو (سال ۱۹۷۸ جدول 24-VIII و ۱۹۸۳ جدول 38-VII) تعداد عناوین منتشره در آخرین سال را در چند کشور آسیائی بعنوان نمونه نشان می دهد. لازم به تذکر است که تیراژ کتابهای توزیع شده نیز تقریباً به همین ترتیب می باشد.

جدول ۳. آمار کتب منتشره در چند کشور آسیائی بتفکیک موضوعی

کشور	سال	تعداد کل عناوین	کلیات	فلسفه	دین	علوم اجتماعی	علوم محض	علوم عملی	هنرها	ادبیات	جغرافیا و تاریخ
ایران	۱۹۷۸	۲۶۵۷	۱۲۴	۲۶۵	۶۵۹	۲۴۳	۴۹	۱۴۳	۵۰	۸۱۳	۳۱۱
هند	۱۹۷۸	۱۲۹۳۲	۲۵۶	۴۲۱	۹۶۴	۳۵۱۸	۶۴۸	۹۱۱	۲۶۲	۴۷۹۶	۱۱۵۶
هند	۱۹۸۱	۱۱۵۶۲	۲۴۳	۳۷۱	۹۲۹	۳۹۵۶	۸۱۳	۸۰۳	۲۱۴	۳۳۶۸	۸۶۵
پاکستان	۱۹۷۸	۱۳۱۷	۲۹	۴	۲۷۷	۱۵۷	۸	۹۶	۱۶	۵۳۵	۱۹۵
پاکستان	۱۹۸۰	۱۲۷۹	۳۱	۱۵	۴۰۶	۲۳۹	۲۹	۵۸	۱۰	۴۱۳	۷۸
عربستان سعودی	۱۹۷۸	۹۶	۵	—	۲۲	۸	—	۲	—	۴۸	۱۱
عربستان سعودی	۱۹۸۰	۲۱۸	۳	—	۶۷	۲۷	۱	۱۱	۴	۶۳	۳۱
سنگاپور	۱۹۷۸	۱۳۰۶	۱۸	۲	۲۳	۶۱۱	۱۰۹	۸۵	۶۳	۶۳	۳۳۶
سنگاپور	۱۹۸۱	۱۷۸۳	۲۸	۱۰	۱۷۴	۶۱۲	۹۵	۱۲۱	۱۱۸	۵۴۵	۸۰
ژاپن	۱۹۷۸	۴۳۹۷۳	۱۰۶۱	۶۰۸	۹۵۲	۱۲۱۵۸	۱۴۵۲	۱۱۴۴۰	۳۳۳۰	۹۳۴۰	۳۵۳۴
ژاپن	۱۹۸۰	۴۲۲۱۷	۱۳۴۰	۱۴۱۶	۶۱۱	۷۵۱۲	۲۷۳۵	۶۱۳۴	۶۱۹۵	۱۳۳۵۵	۲۹۱۹

با توجه به جدول فوق کمبود کتب علمی و فنی و نیز کتب تخصصی و پژوهشی در امر تولید و توزیع کاملاً محسوس است. البته این عدم تعادل، وضعیت مشابهی را در اکثر کشورهای در حال رشد نشان می دهد. اهمیت این مسأله در آنجاست که کشورهای در حال رشد برای برنامه ریزی های عمرانی و تربیت نیروی انسانی متخصص نیاز بیشتری به منابع علمی و عملی دارند لکن بدلیل نداشتن امکانات تخصصی و عدم برنامه ریزی، قادر به تولید و توزیع کافی اینگونه کتب نیستند. در مقابل به همین دلیل است که واردات کتب خارجی در همان زمینه های موضوعی بسیار بیشتر است، در حالیکه تولید و توزیع کتب داخلی در زمینه های علوم اجتماعی، ادبی و هنری، تاریخی، مذهبی و غیره به مراتب گسترده تر از کتب علمی مورد نیاز است. برای مثال در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸ میلادی) از مجموع ۲۶۵۷ عنوان

کتاب منتشره در ایران تنها ۴۹ عنوان مربوط به علوم محض و ۱۴۳ عنوان در زمینه علوم کاربردی بوده است.

توزیع جغرافیائی (یا فراگیری کتاب در سطح کشور): در رابطه با توزیع کتاب در مناطق مختلف باین نتیجه می‌رسیم که تفاوت بسیار زیادی از نظر کمی و کیفی بین تهران و مراکز استانها با شهرستانهای کوچکتر وجود دارد. با مقایسه تعداد کتابفروشی‌های موجود در تهران و مراکز استانها با دیگر شهرها کمبود کمی و کیفی در توزیع کتاب از نظر جغرافیائی مشخص می‌شود. حتی با مقایسه تعداد ناشران در شهرهای مختلف می‌توان به عمق مسأله پی برد.

برای روشن‌تر شدن کمبودهای یک سیستم صحیح توزیع کتاب در مناطق مختلف کافی است تعداد کتابفروشی‌های موجود در تهران و یا یک شهر بزرگ دیگر را از نظر مناطق شهری و جمعیت تراکم در آن مناطق بررسی نمائیم. برای مثال، بیش از ۷۰ درصد کتابفروشیهای موجود در سطح تهران در مناطق مشخصی (خیابان انقلاب و روبروی دانشگاه تهران- خیابان جمهوری اسلامی نزدیک به بهارستان- خیابان ناصر خسرو) و ۳۰ درصد باقیمانده در مناطق دیگر پراکنده‌اند، در حالیکه شهرک‌های اطراف تهران و مناطق دور افتاده با داشتن بیشترین جمعیت از داشتن کتابفروشی محروم می‌باشند. علاوه بر این، موارد غیر ملموس و پنهان دیگری در مسأله توزیع جغرافیائی کتاب وجود دارد که کاوش و بررسی آنها نیاز به بحث تخصصی جداگانه‌ای دارد. اما آنچه که بطور خلاصه می‌توان گفت اینست که عدم وجود یک سیستم صحیح توزیع کتاب در کشورهای در حال رشد موجب عقب ماندگی فکری درصد نسبتاً زیادی از جمعیت آن کشورها بوده و بهمین علت برنامه‌های آموزش عمومی و نیز برنامه‌های اجتماعی و عمرانی با سختی و کندی صورت می‌گیرد.

توزیع گروهی (با فراگیری انسانی) : تنوع و چگونگی گروه‌های استفاده کننده از کتاب نیز در کشورهای در حال رشد بگونه مشخصی است. در ایندسته از کشورها بدلائل مختلف فرهنگی، مادی و حرفه‌ای قشرهای نسبتاً وسیعی از جامعه یا به کتاب دسترسی ندارند و یا نمی‌توانند از کتاب استفاده کنند. تنها درصد نسبتاً کمی از افراد جامعه با کتاب سروکار دارند. برای مثال در سطح کشور ما بدلیل آنکه نزدیک به ۶۰ درصد از افراد بالغ بیسوادند، طبیعتاً استفاده از کتاب برای آنها غیر ممکن است. بعلاوه، از ۴۰ درصد باقیمانده تعداد بسیار زیادی نیز بععل فوق نمی‌توانند به کتاب دسترسی داشته باشند. بعبارت دیگر درصد بسیار زیادی از افراد با سواد کشور همچون کارمندان، نظامیان، کارگران و غیره کتاب نمی‌خوانند. در مقابل، گروه‌های عمده کتابخوان عبارتند از: کودکان و نوجوانان- دانش‌آموزان و دانشجویان- صاحبان مشاغل تخصصی (مثل استادان- پژوهشگران- مهندسان و کارشناسان- پزشکان و...) و درصد کمی از کارمندان و کارگران، که در مقایسه با کل جمعیت رقم کوچکی را تشکیل می‌دهند. به سخن دیگر باید اظهار داشت که فراگیری کتاب در گروه‌های مختلف جامعه در کشورهای جهان سوم بسیار محدود می‌باشد، در حالیکه توسعه این فراگیری و گسترش توزیع گروهی در ایندسته از کشورها که برای خود کفائی و استقلال تلاش می‌کنند می‌تواند سرآغازی بنیادی برای برنامه‌ریزیهای اجتماعی باشد.

خوشبختانه در این مورد - چه بنا بر توصیه‌های سازمانهای جهانی و چه به علت درک اهمیت آن در سطح ملی- توجه نسبتاً کافی شده است و در سالهای اخیر موفقیت‌های نسبی در توسعه تولید و توزیع کتاب کودک و نیز تشویق کودکان و نوجوانان به مطالعه و استفاده از کتاب بدست آمده است و سازمانهایی چون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، شورای کتاب کودک، نهادها و کانون‌های متفرقه

در این رابطه تأسیس شده و به همراه نویسندگان، مترجمان، نقاشان و ناشران فعالیتهای گسترده‌ای را در جهت گسترش کتاب کودک و توزیع و فراگیری بیشتر آغاز نموده‌اند. در مقابل، تأثیر این فعالیتهای با استقبال چشمگیر کودکان و نوجوانان و والدین از کتاب خوانی آشکار گشته است. در حالیکه در سالهای گذشته بندرت کتابی مخصوص کودکان و نوجوانان نوشته و منتشر می‌شد، در سالهای اخیر اینگونه کتابها بازار خوبی بویژه در شهرهای بزرگ بدست آورده‌اند. برای مثال از ۱۹۳۳ عنوان کتاب منتشره در سال ۱۳۵۷، تعداد ۲۸۸ عنوان مربوط به کودکان بوده است که به همراه تعداد دیگری که جزو آمار این سال نیامده است رقم نسبتاً امیدوار کننده‌ای را نشان می‌دهد. علاوه بر آن، در سالهای اخیر تیراژ کتابهای مخصوص کودکان و نوجوانان نسبت به کتب دیگر بالا تر بوده و توزیع آنها در سطح گسترده‌تری (در فروشگاه‌های بیشتری) انجام می‌گیرد. تنها در سال ۱۳۶۲ حدود ۶۶۰ عنوان و در شش ماهه اول سال ۶۳ تعداد ۴۴۵ عنوان کتاب کودک منتشر شده است.^۱ پس از انقلاب اسلامی کتابهای کودکان از راه‌های مختلف (از جمله نهادهائی چون جهاد سازندگی) به روستاها نیز راه یافته و مورد استقبال زیاد کودکان روستائی قرار گرفته است.

بطور کلی گسترش فراگیری انسانی از آن جهت امیدوار کننده خواهد بود که توجه به کتب کودکان و نوجوانان می‌تواند زمینه و پشتوانه خوبی باشد برای رشد فکری و ایجاد عادت مطالعه در کودکان و شناخت اهمیت کتاب در زندگی اجتماعی، تا آنکه در مراحل آینده (دوران تحصیلات عالی و نهایتاً مرحله کار و سازندگی) آنها بتوانند از کتاب بعنوان یک ابزار اساسی استفاده کنند. البته این

۱. ف. الف. فریار. «آمار کتابهای منتشر شده در سال ۶۲». نشر دانش، سال چهارم، شماره چهارم (خرداد و تیر ۱۳۶۳) ص ۷۹.

امیدواری تا زمانی است که مسائل دیگر چون مسائل مادی و تأثیر رسانه های گروهی مثل رادیو و تلویزیون موجب دوری کودکان و نوجوانان از کتاب نشود.

مسائل و مشکلات نشر و توزیع کتاب در کشورهای در حال رشد

بطور کلی وبا در نظر گرفتن عوامل مختلفی که به آنها اشاره شد، چاپ، نشر، و توزیع کتاب در کشورهای در حال رشد (از جمله ایران) درگیر مسائل و تنگنانهایی است که عناوین آنها بشرح زیر است:

الف . مسائل مربوط به مؤلفان و مترجمان.

- ۱ - کمبود افراد کتابخوان و با سواد در سطح جامعه.
- ۲ - عدم حمایت دولتی.
- ۳ - موانع اداری - مالی و سختگیری در دادن اجازه انتشار.
- ۴ - مشکلات مربوط به توافق و بستن قرارداد با ناشران.

ب . مسائل مربوط به چاپخانه ها :

- ۱ - کمبود و گرانی کاغذ و کالاهای مورد نیاز دیگر.
- ۲ - بالا رفتن قیمت تمام شده برای کتاب - بالا رفتن دستمزدها، و هزینه های جاری (فنی و غیره).

۳ - عدم حمایت دولتی و مؤسسات اعتباری دیگر.

ج. مسائل مربوط به ناشران و فروشندگان کتاب :

- ۱ - کمبود افراد کتابخوان و باسواد.
- ۲ - پائین بودن عادت مطالعه در باسوادان.
- ۳ - بالا رفتن قیمتها.
- ۴ - عدم توزیع صحیح.

- ۵ - عدم تبلیغات کافی.
- ۶ - عدم وجود بازار کافی برای کتب علمی و فنی.
- ۷ - نداشتن بازار فعال صادراتی.
- د. مسائل مربوط به خریداران و استفاده کنندگان از کتاب :
 - ۱ - درآمد سرانه کم.
 - ۲ - بالا رفتن قیمت‌ها.
 - ۳ - عدم وجود سیستم صحیح و فراگیر در توزیع.
 - ۴ - کمبود کتابخانه‌های مختلف که بتوانند کتب مورد نیاز افراد را تهیه و نگهداری نمایند.
 - ۵ - عدم وجود روش‌ها و ابزارهای آگاهی دهنده از انتشار کتب جدید و معرفی سایر کتب (مثل فهرست‌های انتشاراتی، کتابشناسی‌ها، کاتالوگ‌ها و غیره).
 - ۶ - گسترش و نفوذ رسانه‌های همگانی (رادیو-تلویزیون) و کمبود زمان کافی برای مطالعه.

واردات کتاب در کشورهای در حال رشد

اکنون با توجه به مسائل و تنگناهایی که در ایندسته از کشورها موجب کمبود کتاب در زمینه‌های مختلف بویژه علمی و تخصصی می‌شود، جامعه استفاده کننده از کتاب، بخاطر جبران این کمبودها و بعثت نیاز شدید به منابع علمی و فنی که در سطح عالی و تخصصی برای آموزش و تحقیق مورد استفاده قرار می‌دهد، ناچار به وارد کردن تعداد قابل توجهی کتاب می‌باشد. گرچه واردات کتاب مسئله بسیار مهم و حساسی است که مستقیماً ناشی از نیاز برای آموزش و پژوهش و نیز توسعه اقتصادی- اجتماعی می‌باشد، لکن بعثت تأثیرات غیرمستقیم و نامرئی بر محیط علمی-

فرهنگی و سیاست‌های ملی در برنامه ریزیهای اقتصادی- اجتماعی، می‌تواند بسیار خطرناک و منحرف‌کننده باشد. از این رو مطالب فوق نیاز به توجه بیشتری از سوی اندیشمندان و دولتهای جهان سوم داشته و از نظر مادر خور بحث جداگانه‌ای است. اما بطور اختصار به توضیح آن می‌پردازیم:

گرچه با گذشت زمان کشورهای در حال رشد ناچار به واردات بیشتری از کتابهای خارجی بوده اند و همه ساله نیز قیمت این کالای علمی فرهنگی بطور سریع افزایش می‌یابد، اما حجم کلی و قیمت مجموع واردات کتاب در مقایسه با واردات کالاهای دیگر مبلغ ناچیزی را تشکیل می‌دهد و از این نظر قابل توجه نمی‌باشد. برای مثال واردات کتاب از سوی ایران در سال ۱۳۶۲ تقریباً بین ۱۲ تا ۱۵ میلیون دلار تخمین زده می‌شود، اما آنچه که دارای اهمیت حیاتی است، مساله تأثیرات علمی و فرهنگی کتب وارداتی بر خط‌مشی‌ها و نظام علمی، آموزشی، و تحقیقاتی می‌باشد. این تأثیرات نامرئی در بعضی مراحل بصورتی است که افکار و ایده‌های دانشمندان، اندیشمندان، و خوانندگان جهان سوم تحت تأثیر جریانات و خط‌مشی‌های علمی- آموزشی کشورهای غربی قرار گرفته و پس از مدتی قابلیت و خلاقیت آنها کاهش یافته و بناچار با تقلید و دنباله‌روی از خط‌مشی بیگانه در مسیر وابستگی و از خود بیگانگی فکری پیش می‌روند.

در حال حاضر مسأله واردات کتاب از سوی کشورهای جهان سوم بصورت مشکل غامضی در آمده است. امروزه شبکه‌های وسیع تبلیغ و بازاریابی کتاب بین کشورهای اروپای غربی، امریکا و ژاپن از یک سو و کشورهای در حال رشد از سوی دیگر فعالیت می‌نمایند. سیل بروشورها، کاتالوگ‌ها، و فهرست‌های سازمانهای انتشاراتی و کارگزاران دنیای غرب به کتابخانه‌ها و موسسات آموزشی و پژوهشی و نیز کتابفروشی‌های جهان سوم جریان دارد. علاوه بر آن، سازمانهای غربی ذینفع با

همکاری دولتهای خود با تاسیس شعبات فروش کتاب در کشورهای جهان سوم و نیز اعزام نمایندگان و بازاریابان به این کشورها بطور پیوسته برای گسترش بازارهای خود تلاش می کنند.^۵ برای پی بردن به عمق مساله واردات کتب خارجی کافی است نگاهی به آمار موجودی کتابخانه های دانشگاهی بیفکنیم و نسبت کتابهای موجود به زبانهای غربی را با کتابهای موجود به زبان فارسی مقایسه نماییم. برای مثال، کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران که طبیعتاً بایستی دارای کتابهای فارسی بیشتری باشد، از مجموع ۱۲۰ هزار جلد کتاب موجود بیش از ۹۰ هزار جلد کتاب بزبانهای غربی در اختیار دارد. و یا دانشگاه مشهد که کلاً دارای بیش از ۲۲۰ هزار جلد کتاب می باشد که از این تعداد حدود ۱۲۰ هزار جلد بزبان لاتین، حدود ۸۵ هزار بزبان فارسی، و ۱۵ هزار بزبان عربی می باشد. حال اگر آمار کتابهای موجود در دانشکده های چون پزشکی یا بهداشت را بررسی کنیم خواهیم دید که این نسبت باز هم بنفع کتابهای خارجی رو به افزایش است.

صادرات کتاب: در مقابل مساله واردات، لازم است مختصری هم از صادرات کتاب سخن گفت. صادرات کتاب از کشورهای در حال رشد به دیگر کشورها (چه کشورهای در حال رشد و چه کشورهای پیشرفته) بطور کلی رقم ناچیزی را نشان می دهد و در مقایسه با واردات، از نظر پولی و حجمی قابل مقایسه نیست. صادرات کتاب از ایران بیشتر به کشورهای همزبان و همجوار چون افغانستان، پاکستان، عراق، لبنان، هند و کشورهای حوزه خلیج فارس می باشد. آمارهای موجود در نشریه آمار بازرگانی خارجی (وزارت بازرگانی) نشان می دهد که از سالهای ۱۳۵۰ به بعد کشورهایی نظیر آمریکا، آلمان غربی، انگلستان، فرانسه، و برخی دیگر از کشورهای

۵. اخیراً بیست و پنج ناشر ژاپنی با هم متحد شده اند تا شرکتی را پایه ریزی کنند که کار آن تبلیغ و ترویج کتابهای ژاپنی در خارج از ژاپن خواهد بود. نقل از مجله نشر دانش، سال پنجم، شماره اول (آذرود ۱۳۶۳) ص ۶۷.

غربی اقدام به خرید و واردات کتاب از ایران نموده‌اند. کتابهای صادراتی به کشورهای همجوار یا همزبان بیشتر در زمینه‌های ایرانشناسی، تاریخ و مذهب، علوم اجتماعی و ادبیات است اما کشورهای غربی همه‌گونه کتاب، نشریه، اسناد و مدارک، کتب آماری و غیره را در همه زمینه‌ها خریداری می‌نمایند که طبیعتاً هدف آنها در درجه اول داشتن مجموعه‌ای کامل از ایران برای بررسی و تحلیل و بدست آوردن اطلاعات لازم می‌باشد.

آینده کتاب در کشورهای در حال رشد

اکنون با توجه به مطالبی که در مورد وضعیت کتاب در کشورهای در حال رشد گفته شد و بویژه ارتباط این مساله با اوضاع اقتصادی-اجتماعی آینده از کشورهای، آیا می‌توان به آینده آن امیدوار بود؟ این سوال را حتی می‌توان در مورد کشورهای پیشرفته هم تعمیم داد که: آینده کتاب در آن گروه از کشورها چه خواهد شد؟ بطور کلی می‌توان پاسخ داد آنچه که قابل پیش‌بینی نیست آینده کتاب است. در این مورد بین صاحب نظران امر هم تضاد وجود دارد. با آنکه در طی سالهای آینده رشد متوسط فکری انسان افزایش خواهد یافت و درصد بیسوادی در سطح دنیا کمتر خواهد شد، لکن بدلیل مسائل بشماری که در زندگی آینده بشر وجود خواهد داشت، او کمتر به کتاب روی خواهد آورد.

در کشورهای در حال رشد، وضعیت آتی کتاب به گونه مشابهی خواهد بود و در کشورهای پیشرفته ناامیدی بگونه دیگری احساس می‌شود. عصر آینده که امروز آغاز آنست، عصر انفجار دانش نام گرفته و این انفجار آنچنان عظیم و گسترده خواهد بود که انسان، حتی با دستگاههای کامپیوتری قادر به ضبط، نگهداری، و استفاده از تمامی پرتوهای آن (منجمله کتاب‌ها) نخواهد بود. براساسی اثرات این انفجار دانش

در هر دسته از کشورها چیست؟ در کشورهای پیشرفته اثر ماشینیسیم و نفوذ رسانه‌های گروهی بگونه‌ای است که فرصت و حوصله کمی برای مطالعه باقی خواهد گذاشت و انسان کمتر به کتاب روی خواهد آورد. از ۵ مورد نیازی که انسان را ناچار از مطالعه کتاب می‌کند (و ما قبلاً به آنها اشاره کردیم) شاید بیشترین سهم در کشورهای پیشرفته مربوط شود به نیاز به دانستن و آگاهی بیشتر (آنهم از نظر اطلاعات علمی)، در حالیکه جنبه‌های دیگر چون نیاز به تسکین، نیاز به لذت و نیاز به شناخت در ایندسته از کشورها رو به نقصان خواهد گذاشت. یک بررسی آماری نشان داده است که بطور متوسط ۸۰ درصد از نشریات چاپ شده حدود ۱۰ تا ۱۵ سال پس از انتشار و ۹۰ درصد آنها حدود ۲۰ سال پس از انتشار بلااستفاده می‌شود. این آمار در کنار آمار مربوط به توسعه صنعت نشر و توزیع کتاب و در عصر انفجار دانش مبین چیست؟ بیگانگی انسان به کتاب مثل بیگانگی انسان با خویشتن و با انسانهای دیگر در جوامع صنعتی رو با افزایش است. عده‌ای بر این باورند که دیر یا زود کتاب در برابر رقبائی چون رادیو و تلویزیون، ویدئو، و یا سینما از پای در خواهد آمد. در مقابل، عده‌ای هم اصرار دارند که بعکس، رسانه‌های گروهی اثر چندانی بر عادات مطالعه نخواهد داشت و کتاب جایگاه خود را از دست نخواهد داد.

اما آینده کتاب در کشورهای باصطلاح در حال رشد چیست؟ ایندسته از کشورها هنوز تولید و توزیع کتاب را بالا نبرده و سخت نیازمند وگرسنه کتاب می‌باشد. آمار بیسودی در سطح بالائی است و علاوه بر آن، افراد باسواد هم پی به اهمیت کتاب در زندگی اجتماعی- اقتصادی خود نبرده‌اند. در عین حال گسترش و نفوذ رسانه‌های همگانی (بویژه به سبک غربی) بسیار سریع‌تر از گسترش و توزیع کتاب در اینگونه کشورهاست. ناامیدی از آن جهت است که رسانه‌های گروهی در این کشورها افراد عادی مثل کارمندان، کارگران، روستائیان، و بویژه کودکان و

نوجوانان را بیشتر به خود جذب کرده و تأثیرات غیر ملموس بسیاری در زندگی آنها بر جای می‌گذارد، و اگر هم آنها تازه با سواد شده باشند، تلویزیون جای کتاب را برای آنها پر خواهد کرد.

«ایران در صنعت کاغذسازی چند قرن جلوتر از غرب بود اما صنعت چاپ در این کشور بیش از چهار قرن پس از اختراع آن رواج یافت و همین طول زمانی موجب ناآشنا ماندن ایرانیان با حروف چاپی و محدود بودن حجم کتاب شد. رواج چاپ کتاب با هجوم دیگر وسایل ارتباط جمعی هم زمان گردید. اندکی پیش از جنگ دوم جهانی بر شماره کتب چاپ شده بطوری محسوس افزوده گردید. در زمان جنگ فرستنده رادیو تأسیس شد و در مدتی کوتاه تا دورترین روستاها راه یافت. چند سالی بعد تلویزیون به بازار آمد و با ضریب سرعت بیشتری نفوذ یافت. در همین زمان صنعت ملی فیلم سازی خلق شد. پس از رواج و نفوذ پر دامنه اینگونه وسائل ارتباط جمعی بود که مبارزه با بیسوادی آغاز شد و شماره باسوادان فزونی گرفت. نتیجه چه شد؟ آنکه با سواد و نوسواد ایرانی پیش از آنکه کتاب بخواند و به خواندن خو بگیرد، به رادیو گوش کردن و پای تلویزیون نشستن و سینما رفتن عادت کرد»^۱.

علاوه بر آن، مشکل پائین بودن درآمد سرانه و نیز تولید و توزیع کم کتاب از عواملی است که موجب عدم دسترسی افراد علاقمند به کتاب می‌شود. در مقابل، علی‌رغم این جنبه‌های ناامید کننده بایستی اقرار کرد که انسان جهان‌سومی تشنه

۱. هوشنگ ابرامی، «موانع اجتماعی رشد کتابداری در ایران» نامه انجمن کتابداران ایران، دوره ۶

کتاب است و این خود نقطه امید کشورهای در حال رشد می باشد. بررسی ها نشان داده است در حالیکه در کشورهای پیشرفته چون هلند، فرانسه، ایتالیا و غیره تقریباً ۴۰ تا ۵۰ درصد افراد با سواد علاقه ای به مطالعه نشان نمی دهند و کتاب نمی خوانند، در پاکستان که کشوری از گروه جهان سوم است مشاهده شده است که تنها ۱۰/۹ درصد از افراد با سواد مطالعه نمی کنند.

از سوی دیگر افزایش سریع واردات کتابهای خارجی (بدلیل کمبود کتابهای علمی و کاربردی) در کشورهای در حال رشد می تواند از نکات ناامید کننده باشد. کشورهای جهان سوم گرچه برای استقلال علمی، تکنولوژیکی، و اقتصادی تلاش می نمایند، اما در عمل متکی بر منابع و تجربیات کشورهای پیشرفته می باشند. بهمین دلیل خط فکری و سیاستگرایی هائی که متکی بر منابع خارجی باشد، بطور حتم بصورت ناخودآگاه، بر جریانات فکری، علمی، اقتصادی، صنعتی و حتی فرهنگی و اجتماعی کشورهای جهان سوم اثر می گذارد. این مساله باز هم به هنگامیکه اکثریت برنامه ریزان و اندیشمندان کشورهای جهان سوم تحصیلات خود را در کشورهای پیشرفته غربی بانجام رسانیده باشند بر پیچیدگی مساله آینده کتاب می افزاید.

چه باید کرد؟

حال که مسائل و عوامل گوناگونی در پیش رینی آینده کتاب در جهان سوم مطرح و دخیل می باشد چه باید کرد؟ آنچه مسلم است کشورهای جهان سوم دارای مشخصات مشابه و مشترکی در این زمینه هستند و مسائل زیربنائی و نیازهای آنها باندازه کافی برای اندیشمندان و برنامه ریزان روشن است. می دانیم که بطور کلی:

الف. درصد بیسوادی در سطح بالائی است.

ب. گروه زیادی از افراد باسواد به مطالعه و استفاده از کتاب علاقه نشان نمی دهند.

ج. درآمد سرانه کم است.

د. بودجه موسسات آموزشی و پژوهشی و بودجه ایجاد کتابخانه و خرید کتاب کافی نیست.

ه. تعداد دانشمندان، کارشناسان، و متخصصان با توجه به نیازها بسیار اندک است.

و. شبکه های تولید و توزیع کتاب بسیار ناقص و ابتدائی هستند و شهرهای کوچک و روستاها از این نظر فراموش شده اند.

ز. نظام آموزش و پرورش، آموزش عالی و پژوهش مطابق با خصوصیات اجتماعی- اقتصادی و نیازهای جامعه نبوده و براساس تقلیدهای کورکورانه از غرب است.

بنابراین با توجه به اینگونه مسائل زیربنائی، بایستی سعی در چاره اندیشی و یافتن راه های اصولی نمود. در درجه اول اگر می خواهیم یک زندگی علمی و فکری مستقل خلق کنیم و به رشد اقتصادی- اجتماعی متعادلی دسترسی یابیم، باید به کتاب که هدایت کننده نظام زندگی است اهمیت داده، مسائل و مشکلاتش را بر طرف نمائیم. می دانیم که جامعه آینده، جامعه فراگیرنده است و آموزش عمومی مداوم برای پیشرفت آن ضروری است. در دنیای فردا، خودآموزی و بازآموزی و تطابق دانسته ها با نیازهای واقعی و ملی جامعه اهمیتی بسزا خواهد داشت، و کتاب بعنوان اساسی ترین ابزار آموزش مورد نیاز بیشتری خواهد بود. اکنون می دانیم که به کمبود شدید کتاب به زبان بومی دچار هستیم. اما نباید این کمبود را صرفاً از طریق واردات کتابهای خارجی چاره جوئی کنیم، آنهم بشکل امروزی اش که می تواند دامی ابدی

باشد برای ادامه تسلط استعمار و استثمار. تشویق و ترغیب نویسندگان، مترجمان، پژوهشگران و کلیه افراد آگاه و متعهد به نوشتن و ترجمه براساس نیازهای ملی، دادن کمک‌های اساسی به ناشران و چاپخانه‌ها و نهایتاً ایجاد صنعت ملی چاپ و نشر می‌تواند اقدامی مفید برای این حرکت عظیم باشد و کار انتقال علم و اندیشه یا بعبارت دیگر آموزش و پژوهش را رونق بخشد. ضمن آنکه بایستی درصدی از درآمد ملی را صرف انجام تحقیقات نمود، بایستی درصد دیگری را به مساله نشر و تولید و توزیع کتاب اختصاص داد. برنامه‌ریزان کشورهای در حال رشد اگر خود مقلد و پیرو نقشه‌ها و اعمال ملل رشد یافته نباشند باید با برنامه‌های وسیع و جدی از طریق ترویج کتاب و ایجاد کتابخانه در بالا بردن رشد فکری و سطح آموزش عمومی جامعه بکوشند. پیشرفت فکری هر جامعه نه ارمغان طبیعی و نه نتیجه پیشرفتهای اقتصادی صرف و یا افزایش درآمد سرانه است، پیشرفت فکری نتیجه برنامه‌ریزی‌هایی است که بطور صحیح، واقعی و از روی شناخت اصولی انجام گرفته باشد.

و سرانجام در پایان این بررسی تفکری کنیم درباره این سخن پیراج مولانا که:

چشم داری توبه چشم خود نگر	منگر از چشم سفیه بی هنر
گوش داری توبه گوش خود شنو	گوش کولان را چرا باشی گرو
بی زتقلیدی نظر را پیشه کن	هم برای و عقل خود اندیشه کن

کتابنامه

- ۱- آلتیاج، فیلیپ. «نشر علمی و پژوهشی در جهان سوم» ترجمه رحمت الله فتاحی. چند مقاله درباره علم اطلاع‌رسانی و کتابداری. شماره ۱ (اسفند ۱۳۶۱) ص ۹-۲۶.
- ۲- ابرامی، هوشنگ، کتاب و پدیده کم رشدی. تهران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷.

- ۳- اسکار پیت، ربر. انقلاب کتاب. ترجمه محمد رضا مظهری و علی کیاهاشمی. تهران، یونسکو، ۱۳۴۹.
- ۴- بنی آدم، حسین، کتابشناسی موضوعی ایران. سالهای ۱۳۴۸-۱۳۴۳. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.
- ۵- حیاتی، زهیر. توزیع کتاب در ایران. تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۵۸. (پایان نامه فوق لیسانس علوم کتابداری).
- ۶- فتاحی، رحمت الله. بررسی واردات و توزیع کتب خارجی در تهران (۱۳۵۵-۱۳۴۶) تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۵۸. (پایان نامه فوق لیسانس علوم کتابداری).
- ۷- کتابخانه ملی ایران. کتابشناسی ملی ایران. تهران، کتابخانه ملی، ۱۳۴۹.
- ۸- مرکز آمار ایران. کتاب و مطبوعات در ایران. تهران، ۱۳۵۲.
- ۹- ورجاوند، پرویز. فهرست انتشارات دانشگاهها و موسسات آموزش عالی. تهران، وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۳۵۰.
- ۱۰- وزارت ارشاد اسلامی. اداره کل مطبوعات و نشریات. کتابنامه، فهرست کتب منتشره به تفکیک موضوع. تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۱- وزارت فرهنگ و آموزش عالی. راهنمای انتشارات سازمانهای دولتی ایران (فهرست سالانه). ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱.

12 - United Nation Educational, Scientific and Cultural Organization. Book development in Asia: a report on the production and distribution of books in the Paris. Unesco. 1967.

13 - ———— Statistical Yearbook. Paris. Unesco, 1963.